گزارش یک

مهسا گربندی

هم اتلاف وقت شهروندان هم تشدید ترافیک و آلودگی هوا در خیابان‌های شلوغ پایتخت

تهران در جست‌وجوی جای پارک!

معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران: احداث پارکینگ طبقاتی در ۶۶۴ نقطه تهران پیش‌بینی شده است

رسیدن به مقصد، این‌بار به معنی پایان مسیر نیست! دست‌کم برای راننده‌هایی که در خیابان‌های شلوغ تهران در جست‌وجوی جای پارک هستند. گاهی خودرو به مقصد موردنظر می‌رسد، اما درست همان لحظه که قرار کاری نزدیک است یا خریدی باید انجام شود، معلوم نیست که ماشین را کجا می‌توان متوقف و پارک کرد. درست همین لحظه است که راننده، چندین بار خیابان را بالا و پایین می‌کند، وارد کوچه‌های فرعی می‌شود و چشمش به فاصله میان خودروهای پارک‌شده خیره می‌ماند، تا شاید کسی درست در همان لحظه از جای خود حرکت کند و فرصتی برای پارک به وجود بیاید.

این جست‌وجو گاهی چند دقیقه طول می‌کشد اما در بعضی محدوده‌های پرتردد، زمان زیادی می‌گذرد، در این میان هر دوردزدن، حجم زیادی از خودروها را به خیابان می‌کشاند که با سرعت کم در حال عبور و مرور هستند، هر یک‌بار مکث یا توقف کوتاه‌شان برای بررسی یک فضای خالی، می‌تواند حرکت خودروهای پشت سر را کند و کندتر کند. شاید در ظاهر مسئله، به پیدا کردن یک فضای چندمتری برای توقف خودرو مربوط شود، اما در واقع این دوردور کردن خیابان‌ها برای پیدا کردن جای پارک مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند.

در تهران بخش زیادی از زمان روزانه افراد در جست‌وجوی فضایی می‌گذرد که خودرویشان را بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران، در آنجا پارک کنند. در این میان، برای شهروندی که باید سر ساعت به محل کار برسد، بیماری را به درمانگاه برساند یا به یک قرار اداری برسد، این وضعیت بغرنج‌تر می‌شود، وضعیتی که گاه به ناچار به پارک کردن یا حتی رها کردن خودرو در فاصله‌ای دورتر از مقصد موردنظرشان ختم می‌شود.



دردسر جای پارک

گاه مشاهده می‌شود که وقتی فضای مجاز برای توقف خودرو کم است، برخی رانندگان به پارک دوبله یا توقف در محل‌های غیرمجاز روی می‌آورند، انتخابی که ممکن است در نگاه اول راه‌حل باشد، اما پیامد آن به دیگران نیز می‌رسد. خودرویی که در کنار خودروی دیگر متوقف می‌شود، مسیر عبور را تنگ می‌کند، توقف در حریم تقاطع یا کنار ورودی‌ها، دید و حرکت خودروها را مختل می‌کند و پارک روی پیاده‌رو نیز فضای عبور عابران را می‌گیرد.

در چنین شرایطی، بسیاری از راننده‌ها پشت خودروی دوبله متوقف می‌شوند، موتورسوار یا عابری راهش بسته می‌شود و اتوبوس‌ها هم فضای کافی برای عبور از خیابان‌ها ندارند و متأسفانه پیامد این تخلف دامن دیگران را می‌گیرد.

حال این را هم باید اضافه کرد که در برخی معابر تهران، افرادی با قرار دادن موانعی مانند کله‌قندی و حلبی، فضای عمومی کنار خیابان را اشغال کرده‌اند و گاه در ازای بازکردن آن، از رانندگان پول طلب می‌کنند! بارها و بارها رسانه‌ها از تجربه مواجهه با فردی در محدوده‌های مختلف پایتخت نوشته‌اند که از رانندگان بابت جای پارک پول طلب می‌کنند، در یکی از این گزارش‌ها نوشته شده که در درکه این افراد پس از هدایت خودروها به محل پارک، مبلغ ۱۵۰ هزار تومان پول می‌گیرند! همچنین مبالغ این چنینی در محدوده بازار تهران نیز گزارش شده است. در واقع دشواری پیدا کردن جای پارک، زمینه سوءاستفاده از نیاز روزمره شهروندان را نیز فراهم کرده است!

ترافیکی که تشدید می‌شود

ابعاد این مسئله در اظهارات مسئولان ترافیکی نیز دیده می‌شود. شهریورماه بود که سرهنگ فیروز کشیر، معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ، اعلام کرد: «از ابتدای سال تاکنون، حدود ۳ میلیون فقره اعمال قانون بابت تخلفات ساکن در پایتخت ثبت شده است.» به گفته او، ۷۵۸ هزار مورد از این تخلفات مربوط به توقف دوبله و ۱۲۲ هزار مورد مربوط به توقف در پیاده‌رو بوده است.

سرهنگ کشیر، پارک دوبله، سد معبر و توقف در حریم تقاطع‌ها را از عوامل برهم‌خوردن نظم معابر دانسته و گفته است: «این تخلفات با ایجاد مزاحمت و انسداد مسیر، حقوق دیگر شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.» البته این آمار به‌تنهایی نشان نمی‌دهد چه سهمی از تخلفات مستقیماً ناشی از کمبود جای پارک است، با این حال، گستردگی توقف‌های غیرمجاز نشان می‌دهد که مسئله پارک خودرو چگونه می‌تواند با اختلال در عبور و مرور و تضییع فضای عمومی گره بخورد.

سهم نبود جای پارک در تشدید آلودگی هوا

پرواضح است که جست‌وجوی طولانی برای جای پارک، فقط زمان شهروند را نمی‌گیرد، وقتی خودرو در حال حرکت است و راننده برای پیدا کردن فضای خالی چند بار مسیر را تکرار می‌کند، مصرف سوخت و انتشار آلاینده‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند.

اگرچه سهم این رفت‌وآمدهای اضافی در آلودگی هوای پایتخت به‌طور مستقل مشخص نشده است، نمی‌توان اثر آن را نادیده گرفت. در شهری که هر روز تعداد زیادی خودرو در معابر آن تردد می‌کنند، حتی جست‌وجوهای کوتاه و پراکنده برای یافتن جای پارک نیز می‌توانند به افزایش پیمایش خودروها و مصرف سوخت منجر شوند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که رانندگان در محدوده‌های پرتردد، بارها خیابان‌های اطراف را دور می‌زنند، رفت‌وآمدهایی که نه برای رسیدن به مقصد، بلکه فقط برای پیدا کردن محل توقف انجام می‌شوند.

وعده‌ای برای باز کردن گره کور ترافیک

در شرایطی که پیدا کردن جای پارک در بسیاری از معابر تهران به بخشی از دردسر روزانه رانندگان تبدیل شده، یکی از راهکارهای مطرح‌شده از سوی مدیریت شهری، توسعه پارکینگ‌های طبقاتی و ایجاد مشوق‌هایی برای ساخت این فضاهاست، راهکاری که قرار است بخشی از نیاز پایتخت به محل توقف خودرو را پاسخ دهد.

روز گذشته، نصرالله آبادیان، معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران، با بیان اینکه در سال ۱۳۸۵ ضوابط عامی برای این موضوع در نظر گرفته شده بود، اظهار کرد: «با وجود تدوین این ضوابط، کمبود پارکینگ همچنان یکی از مسائل شهری است. در همین راستا، تلاش کردیم با برگزاری جلسات کمیسیون ماده ۵، زمینه ارائه خدمات مکمل و ایجاد مشوق‌هایی برای سازندگان را فراهم کنیم تا احداث پارکینگ‌های طبقاتی در دستور کار قرار گیرد.»

او ادامه داد: «با توجه به رویکرد مبتنی بر کمیسیون ماده ۵ در رسیدگی به این مسئله، پیگیر اجرای طرح‌ها در عرصه‌های پیش‌بینی‌شده برای احداث پارکینگ هستیم تا بخشی از نیاز شهر تهران در این زمینه برطرف شود. بر اساس طرح جامع حمل و نقل و ترافیک تهران، ایجاد پارکینگ طبقاتی در ۶۶۴ نقطه از شهر پیش‌بینی شده است.»

با این حال، پیش‌بینی محل احداث پارکینگ، فقط بخشی از مسیر حل این معضل است و باید تدبیری جدی و اساسی برای این مسئله اندیشیده شود. برای شهروندی که هر روز بخشی از وقت خود را در خیابان‌ها به جست‌وجوی جای پارک می‌گذراند، آنچه اهمیت دارد، تبدیل این برنامه‌ها به ظرفیت قابل استفاده و در دسترس است، ظرفیتی که بتواند از رفت‌وآمدهای اضافی، توقف‌های مزاحم و فشار بیشتر بر معابر شهری بکاهد.

گزارش ۲

حمیدرضا محمدی*

استرالیا، فرانسه و امریکا پیشتاز اعمال ممنوعیت و محدودیت در شبکه‌های اجتماعی

وقتی صحبت از فیلترینگ و مسدودسازی اینترنت به میان می‌آید، ناخودآگاه ذهن‌ها به سمت کشورهایی مثل چین یا ایران می‌رود؛ جوامعی که دولت‌ها به دلیل اصالت فرهنگی و صیانت از ارزش‌های بومی خود، نظارت سختگیرانه‌ای بر فضای مجازی اعمال می‌کنند. اما در دو سال اخیر، در پی آشکار شدن آسیب‌های فضای مجازی در جوامع مختلف، تحولی رخ داده که این دوگانه سنتی را به هم ریخته است؛ تغییراتی که کشورهای غربی را نیز وادار به اعمال محدودیت‌های سختگیرانه کرده است. تفاوت مهم این است که هدف اصلی این قوانین، نه مسدودکردن پلتفرم‌ها برای همه، بلکه محدودکردن دسترسی کودکان و نوجوانان است. با این حال، شیوه اجرای آن‌ها، مثل تأیید سن همه کاربران، سؤال‌های جدی درباره حریم خصوصی و آزادی بیان را ایجاد کرده است.

حال سؤال اینجاست که چه محرک‌ها و دلایلی به آغاز چنین موجی از قانون‌گذاری و اعمال محدودیت انجامید؟

نگرانی درباره اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، محتوای آسیب‌زا، تماس غریبه‌ها با کودکان و اثر این شبکه‌ها بر سلامت روان نوجوانان، دولت‌ها را به سمت قانون‌گذاری برده است. در ابتدا استرالیا و، سپس بیشتر کشورهای غربی، یا قانونی جهت محدودسازی استفاده از پلتفرم‌ها تصویب کرده‌اند یا در حال بررسی‌اند.

از مهم‌ترین محدودیت‌های اخیر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

استرالیا: ممنوعیت زیر ۱۶ سال از دسامبر ۲۰۲۵

استرالیا نخستین کشوری بود که شبکه‌های اجتماعی را برای افراد زیر ۱۶ سال ممنوع کرد. فیس‌بوک، اینستاگرام، یوتیوب، تیک‌تاک، اسنپ‌چت، ردیت، تردز، ایکس و پلتفرم‌های پخش زنده توییچ و کیک مشمول این محدودیت‌ها هستند. به گفته نخست‌وزیر آن کشور، بیش از ۵ میلیون حساب حذف شده است، اما مطالعه‌ای نشان داد که بیش از ۸۵ درصد شرکت‌کنندگان زیر ۱۶ سال هنوز از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. دولت اکنون قصد دارد اختیارات نهاد ناظر را بیشتر و جریمه شرکت‌های خاطی را تا ۹۹ میلیون دلار استرالیا بالا ببرد.

بریتانیا: ممنوعیت زیر ۱۶ سال، برنامه‌ریزی‌شده برای بهار ۲۰۲۷

دولت بریتانیا نیز اعلام کرده از بهار ۲۰۲۷ دسترسی زیر ۱۶ سال‌ها به شبکه‌های بزرگ مثل اسنپ‌چت، تیک‌تاک، یوتیوب، اینستاگرام، فیس‌بوک و ایکس را ممنوع می‌کند. پخش زنده و تماس غریبه‌ها با نوجوانان هم محدود می‌شود و چت‌بات‌های «همدم عاشقانه» فقط برای ۱۸ سال به بالا مجاز خواهند بود. پیام‌رسان‌هایی مثل واتس‌اپ و سیگنال مشمول این ممنوعیت نیستند. پیش از این هم قانون ایمنی آنلاین بریتانیا از ژوئیه ۲۰۲۵ سایت‌های بزرگسالان و محتوای حساس را ملزم به تأیید سن کرده بود.

فرانسه: ممنوعیت زیر ۱۵ سال، در جریان و با ابهام

مجلس ملی فرانسه در ژانویه ۲۰۲۶ قانونی تصویب کرد که پلتفرم‌ها را ملزم می‌کند کاربران جدید زیر ۱۵ سال را نپذیرند و حساب‌های موجود این گروه را پاک کنند. اما مسیر این قانون هموار نبوده است؛ چون قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا (DSA) اختیار کشورهای عضو را محدود می‌کند، کمیسیون اروپا از فرانسه خواست قانونش را با مقررات اتحادیه هماهنگ کند. بر اساس گزارش‌ها، شورای قانون اساسی فرانسه هم مانع اجرای آن در سپتامبر شد. وضعیت دقیق این قانون ممکن است تغییر کرده باشد.

طرح‌های آماده در دانمارک، اسپانیا، اتریش و یونان

دانمارک: محدودیت برای زیر ۱۵ سال، با امکان استفاده نوجوانان از ۱۳ سالگی با رضایت والدین.

اسپانیا: طرح ممنوعیت برای زیر ۱۶ سال.

اتریش: توافق بر ممنوعیت زیر ۱۴ سال در مارس ۲۰۲۶، بدون تاریخ قطعی اجرا.

یونان: طبق گزارش‌ها، ممنوعیت زیر ۱۵ سال از ژانویه ۲۰۲۷؛ گزارش‌ها درباره جزئیات یکسان نیستند.

ایتالیا، هلند، لهستان و اسلوونی هم در حال بررسی یا تدوین محدودیت‌های مشابه‌اند.

اتحادیه اروپا: هنوز حداقل سن مشترک وجود ندارد

قانون خدمات دیجیتال به نهادهای اتحادیه اجازه می‌دهد شبکه‌ها را به رعایت ایمنی کودکان وادار کنند، اما سن مشترکی تعیین نکرده است. تا مه ۲۰۲۶، ۲۳ کشور از ۲۷ عضو، دست‌کم، درباره قانون ملی در این زمینه فکر می‌کردند و همین، خطر ایجاد قوانین پراکنده را بالا برده است.



امریکا: مجموعه‌ای از قوانین ایالتی و دعواهای قضایی

در ایالات متحده، به دلیل خلأ قوانین جامع فدرال، تقنین به ایالات واگذار شده و تاکنون هشت ایالت قوانین متفاوتی درباره محدودیت سنی یا رضایت والدین وضع کرده‌اند؛ چنان‌که فلوریدا دسترسی زیر ۱۴ ساله‌ها را ممنوع و در ژوئن ۲۰۲۶ علیه تیک‌تاک اقامه دعوا کرد. در همین حال، رویه قضایی یکدستی وجود ندارد؛ دادگاه تجدیدنظر اجرای قانون اوهایو را پذیرفت، دیوان عالی در ژوئن ۲۰۲۵ احراز سن تگزاس را تأیید نمود، و طرح‌های کنگره برای اصلاح ماده ۲۳۰ همچنان مطرح است.

این چندپارگی قوانین خطرات جدی به همراه دارد؛ جابه‌جایی خانواده‌ها میان ایالت‌های مختلف می‌تواند آن‌ها را به دلیل اختلاف قواعد روانه زندان کند، زیرا جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست. در نتیجه، به دلیل خلأ قوانین جامع فدرال، صدور آرای متناقض و سلیقه‌ای از سوی قضات امری رایج شده است؛ تناقضاتی که نه‌تنها شهروندان ایالت‌های مختلف را دچار سردرگمی حقوقی می‌کند، بلکه به بی‌نظمی و ناآرامی بیشتر در نظام تنظیم‌گری دیجیتال دامن می‌زند.

محدودیت سنی در نروژ و کانادا

نروژ در حال آماده‌کردن لایحه ممنوعیت زیر ۱۶ سال است و کانادا هم حداقل سن ۱۶ سال را می‌خواهد.

در این کشورها پلتفرم‌ها برای بزرگسالان قانونی و در دسترس می‌مانند و محدودیت‌ها بر اساس سن است. همچنین دادگاه‌ها، نهادهای قانون‌گذار و رسانه‌ها نقش مهمی در بررسی و نقد این قوانین دارند، چنان‌که در امریکا و فرانسه دیده شد. با این حال، منتقدان معتقدند هزینه اجرای این قوانین، یعنی تأیید سن همه کاربران، می‌تواند به حریم خصوصی همه آسیب بزند.

حال، نظر منتقدان و حامیان این امر چیست؟

حامیان می‌گویند حفاظت از سلامت روان و ایمنی کودکان مهم‌تر از این ناراحتی‌هاست و نظرسنجی‌ها هم در برخی کشورها حمایت بالای والدین را نشان می‌دهند.

منتقدان از جمله گروه‌های حقوق دیجیتال و برخی سازمان‌های حمایت از کودک می‌گویند: تأیید سن یعنی ارائه مدرک یا اسکن چهره، که خطر نشت و سوءاستفاده از اطلاعات را بالا می‌برد استفاده از VPN و راه‌های دیگر، بسیاری از این محدودیت‌ها را بی‌اثر می‌کند

ممنوعیت کامل ممکن است نوجوانان را به فضاهای کم‌نظارت‌تر ببرد و دسترسی به جوامع آنلاین مفید را قطع کند.

افق پیش‌رو

واقعیت این است که جهان غرب پس از سال‌ها انفعال و اتکای بیهوده به خودتنظیم‌گری غول‌های فناوری، بسیار دیر متوجه ابعاد آسیب‌های فضای مجازی بر کودکان شد و اکنون با شتاب‌زدگی به وضع قوانین محدودکننده روی آورده است.

در این میان، حامیان به درستی بر اصل مصلحت عالیه صغار و لزوم نجات سلامت روان نوجوانان از چنگال الگوریتم‌های مخرب تأکید دارند؛ اما منتقدان نیز بحق نگران‌اند که الزام همگانی به احراز هویت، حق بر حریم خصوصی و آزادی بیان بزرگسالان را نابود کند و صرفاً کودکان را به پلتفرم‌های تاریک‌تر و زیرزمینی سوق دهد. غرب برای خروج از این بن‌بست، نمی‌تواند صرفاً به ممنوعیت و انسداد دسترسی بسنده کند. راه‌حل بنیادین نیازمند اقداماتی چندوجهی است: الزام حقوقی شرکت‌ها به تغییر الگوریتم‌های اعتیادآور و اجرای اصل ایمنی در طراحی، ایجاد روش‌های امن احراز سن بدون ذخیره داده‌های شخصی، و تدوین قوانین هماهنگ جهت جلوگیری از تشتت آرا و سردرگمی حقوقی شهروندان. آزمون سرنوشت‌ساز غرب در ماه‌های پیش‌رو، نه در متن قوانین، بلکه در صحن دادگاه‌ها رقم خواهد خورد؛ جایی که مشخص می‌شود آیا دولت‌ها می‌توانند بدون ذبح آزادی‌های اساسی شهروندان، سپری واقعی برای حمایت از کودکان بسازند، یا این موج در نهایت به تعمیق نظارت عمومی خواهد انجامید. لازم به ذکر است که این امر بدون نظرخواهی از وکلای دادگستری، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و بدون تحقیق و بدون آمار و اعداد، هرگونه قانون‌نویسی، نه تنها ممکن است پاسخ صحیح نگیرد، ممکن است آزمون و خطا محصول شود و نتیجه عکس بدهد. بنابراین، جهت قانون‌نویسی تفکر قبل از قانون‌نویسی نیاز است نه آزمون و خطا که ممکن است پس از سال‌ها نتایج غیرقابل جبرانی داشته باشد.

* وکیل

یادداشت

محمدرضا هادیلو

توسعه پایدار و شکوفایی علمی در سرزمین آب و آفتاب

استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از پهناورترین، استراتژیک‌ترین و مستعدترین مناطق کشور شناخته می‌شود؛ خطه‌ای که در کنار بهره‌مندی از سواحل خارق‌العاده، راه‌های مواصلاتی مهم و مرزهای گسترده، از ظرفیت‌های بی‌بدیلی در بخش کشاورزی و تولیدات بومی بهره می‌برد. با وجود تمام موهبت‌های طبیعی، آنچه امروز چهره این استان را دگرگون ساخته و نویدبخش آینده‌ای روشن است، جریان پویا و خستگی‌ناپذیر سازندگی، توسعه زیرساخت‌ها و نگاه ژرف به عدالت اجتماعی و اقتصادی است. بررسی روند جاری در این استان نشان می‌دهد که مدیران، برنامه‌ریزان و مردم سختکوش آن با همتی بلند، حرکتی متوازن را در تمامی ابعاد از جمله عمران، آموزش، اقتصاد زیربنایی و نوآوری‌های کشاورزی آغاز کرده‌اند تا گام‌های بلندی در مسیر توسعه پایدار برداشته شود.

از درخشان‌ترین ابعاد این توسعه همه‌جانبه، توجه ویژه به حوزه آموزش، پرورش نسل آینده و تحقق عدالت اجتماعی از مسیر گسترش فضای مدرن یادگیری است.

در دنیای امروز، توسعه پایدار بدون سرمایه‌گذاری روی سرمایه انسانی و کشف استعدادهای درخشان نخبگان معنای کاملی پیدا نمی‌کند. در همین راستا، با بهره‌برداری از ساختمان آموزشی مجتمع پسرانه «رشد نوین» در زاهدان، ظرفیت تازه‌ای برای تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی فراهم شده است تا پایه‌های اصلی یادگیری، رشد مهارت‌ها و شکل‌گیری استعدادها در محیطی استاندارد شکل بگیرد. این دستاورد ارزشمند زمانی تکمیل می‌شود که بدانیم در روستای بولان‌آباد گوهرکوه از توابع شهرستان تفتان نیز مدرسه پنج‌کلاسی با زیربنای مناسب و با مشارکت خیرین مدرسه‌ساز به بهره‌برداری رسیده است که به تنهایی سرانه فضای آموزشی این شهرستان را ۲/۲ درصد افزایش داده است. گسترش این فضاها در مناطق کمتر برخوردار، دسترسی فرزندان این مرز و بوم را به امکانات تحصیلی تسهیل کرده و پیام‌آور فردایی روشن‌تر برای فرزندان این خطه است تا با خیالی آسوده در مدارس ایمن به تحصیل بپردازند.

این پویایی و سازندگی، فقط به حوزه آموزش محدود نشده و در عرصه اقتصاد و عمران هم با تصمیمات راهبردی کارگروه امور زیربنایی سیستان و بلوچستان با قدرت پیگیری می‌شود. تصویب هشت طرح اقتصادی کلیدی از مجموع دستور کارهای این کارگروه، نشان‌دهنده اراده جدی برای تقویت زیرساخت‌های تولیدی و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار است. پروژه‌های مهمی همچون توسعه واحدهای پرورش مرغ گوشتی و گاو شیری، گامی بلند در جهت تأمین امنیت غذایی و رونق کسب‌وکارهای وابسته در حوزه نهاده‌های دامی و زنجیره ارزش افزوده به شمار می‌روند. در کنار آن، تصویب طرح‌های تولید مصالح سنگی و شن و ماسه، نیازهای حیاتی پروژه‌های عمرانی، توسعه راه‌ها و ساخت‌وسازهای شهری و روستایی را با رعایت دقیق ضوابط زیست‌محیطی و آمایش سرزمین تأمین می‌کند تا هزینه‌های لجستیکی کاهش یابد. همچنین احداث مجتمع‌های خدمات رفاهی بین‌راهی، ضمن بهبود شرایط تردد رانندگان و مسافران، بستر مناسبی برای رونق فعالیت‌های خدماتی و تجاری در مناطق پیرامونی فراهم می‌سازد که همه این موارد با تکیه بر اصول فنی و هدایت اصولی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به بار می‌نشیند.

چرخه این پیشرفت و شکوفایی در بخش کشاورزی استان نیز با رویکردی نوآورانه، دانش‌بنیان و مبتنی بر مدیریت بهینه منابع آب به شکلی چشمگیر جلوه‌گر شده است. در شرایطی که چالش خشکسالی و کاهش بارندگی وجود دارد، کشاورزان و کارشناسان سیستان و بلوچستان با تغییر هوشمندانه الگوی کشت، به سمت تولید محصولات منحصربه‌فرد و کم‌آب‌بر با ارزش اقتصادی بالا حرکت کرده‌اند. توسعه کشت زعفران به عنوان طلای سرخ، اکنون در ۵۱ هکتار از اراضی مستعد استان از جمله مناطق کوهستانی و حاشیه تفتان، زاهدان، خاش و میرجاوه به ثمر نشسته و درآمد سرشاری را برای کشاورزان به ارمغان آورده است. همزمان با این اقدام، در شهرستان زهک نیز کشاورزان پس از برداشت گندم و جو، با اختصاص ۸۰۰ هکتار از اراضی خود به کشت خربزه نارس که به «پشمک» مشهور است و تجهیز بیش از ۶۰ درصد این اراضی به سامانه‌های آبیاری تحت فشار قطره‌ای و تیپ، گامی بلند در جهت افزایش بهره‌وری و کاهش مصرف آب برداشته‌اند.

پیش‌بینی برداشت ۴ هزار تن از این محصول و ارسال آن به استان‌های خراسان جنوبی و رضوی، نه تنها نیاز بازارهای محلی را پوشش داده، بلکه زمینه اشتغال فصلی را برای صدها نفر از جوانان و بانوان روستایی فراهم و اقتصاد خانوارهای منطقه را به شکلی پایدار تقویت کرده است. مجموع این اقدامات هماهنگ، گواهی روشن بر آن است که سیستان و بلوچستان با تکیه بر ظرفیت‌های بیکران خود، در مسیر پرشتاب پیشرفت، علم، سازندگی و عدالت اجتماعی گام برمی‌دارد.

یادداشت

سایه درخت گردو

علی جوان‌بخت لاله

در حیاط خانه پدری، درخت عظیم گردویی بود که سایه‌اش تمام خانه را می‌پوشاند. سال‌ها پیش، وقتی هر دعوایی در محله بالا می‌گرفت یا هر برادر با برادری بر سر یک وجب زمین می‌جنگید، مقصد همه یک‌جا بود: «حجره حاج‌آقا». آنجا نه دادگاهی بود و نه پرونده‌ای؛ فقط یک چای و چند کلمه آرام‌بخش که با تکیه بر حرمت‌ها و پیوندهای نامریی، گره‌های سخت زندگی را باز می‌کرد. آن روزها، «حرف» اعتبار داشت و «اعتماد»، تنها ضمانت‌نامه معاملات.

اما امروز، من در اتاق کارم، میان پوشه‌های سنگین پرونده‌ها و صدای سرد تایپ کیبورد، به چهره‌های ارباب‌رجوعی نگاه می‌کنم که با چشم‌های خسته به من زل زده‌اند. دنیای ما اکنون دنیای «مستندات» است؛ دنیایی که در آن هر کلمه باید مهر بخورد تا باور شود. ما به عصر «پست‌مدرنیته» رسیده‌ایم؛ جایی که هر کس در جزیره کوچک خودش زندانی است. گفت‌وگوها جای خود را به «پیام‌های کوتاه» داده‌اند و در این میان، «گوش دادن» مرده است. به جای آن درخت گردوی قدیمی، حالا برج‌های بتنی بلند شده‌اند که سایه‌شان سرد است. مرجعیت‌های معنوی جای خود را به «قوانین خشک» داده‌اند. مردم در جست‌وجوی معنا، به پوچی رسیده‌اند و این پوچی، آرام‌آرام به ابتذال فرهنگی تبدیل شده است؛ همان جایی که هر کسی برای خودش حقیقتی تراشیده و دیگر کسی نمی‌خواهد حقیقت دیگری را بشنود. ما درگیر «داشتن» شدیم و «بودن» را فراموش کردیم.

دیروز، یکی از موکل‌هایم را دیدم؛ مردی که سال‌ها با برادرش بر سر یک قطعه زمین در جنگ بود. وقتی از او پرسیدم چرا این همه سال گذشت و هنوز به صلح نرسیدید، با لبخندی تلخ گفت: «وکیل! ما هر دو حق داشتیم، اما دیگر کسی را نداشتیم که به او اعتماد کنیم تا ما را به هم برساند.»

راه‌حل، شاید در بازگشت به آن «حجره‌های قدیمی» نباشد، اما قطعاً در بازگشت به «انسان» است. ما به «مرجعیت‌های عاطفی» نیاز داریم. راه نجات از این پوچی و ابتذال، در احیای دوباره «گفت‌وگوهای عمیق» است؛ گفت‌وگوهایی که در آن، هدف، پیروز شدن در دعوا نیست، بلکه «فهمیدن» دیگری است. ما باید یاد بگیریم که دوباره به هم «گوش دهیم»، نه اینکه فقط منتظر بمانیم تا نوبت حرف زدن ما برسد.

حال خوب آدم‌ها، در همان لحظه‌ای است که احساس کنند شنیده شده‌اند. شاید لازم نباشد دوباره به گذشته برگردیم، اما باید «حرمت‌ها» و «پیوندهای انسانی» را از زیر آوار مدرنیته بیرون بکشیم و دوباره در حیاط زندگی بکاریم.